

## اخلاق اسلامی، بستری مناسب در رسیدن به توسعه اقتصادی

### مطالعه موردی مفهوم سرمایه اجتماعی

صدیقه عطرکار روشن<sup>۱</sup>

مریم شوندی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

با وجود این که بحث اخلاق در مقوله توسعه اقتصادی بحث جدیدی نیست، اما به دلیل اهمیت و گستردگی آن، همچنان جای مطالعه و بحث دارد. انسان از عصرهای ابتدایی تا کنون در پی «بهبود» زندگی بوده است اما این بهبود در دوران‌های مختلف معانی متفاوتی به خود گرفته است. گفتنی است مفهوم توسعه به معنای فرایند بهبود، سال‌های زیادی است که به عنوان هسته اصلی منطق توسعه اقتصادی، از وجه صرفاً مادی خارج شده و رنگ و بوی اخلاقی به خود گرفته است. ادعای تطبیق این سبک و سیاق اخلاق‌گرا در نظریات توسعه نوین با نظام اقتصاد اسلام با این که ادعای بزرگی به نظر می‌رسد، اما مطالعات انجام شده نشان می‌دهد توجه به ابعاد معنوی در شیوه زندگی اقتصادی، تطابق‌های بسیاری با آموزه‌های اسلام دارد. این مقاله موضوع اخلاق در اقتصاد را با نگاه تاریخی و انتقادی تشریح کرده و سپس به صورت موردی به جایگاه اخلاق در توسعه، علی‌الخصوص بحث سرمایه اجتماعی می‌پردازد. هدف اصلی این مقاله، ابتدا بحث در زمینه لزوم پرداختن به اخلاق در دیدگاه‌های توسعه و سپس تطبیق مؤلفه‌های اخلاق اسلامی در سرمایه‌های اجتماعی است.

**واژگان کلیدی:** اخلاق، اسلام، توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی.

## Islamic Moral, A Pathway To Economic Development, With Emphasize On Social Capital

<sup>۱</sup>. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول): [s.a.roshan@alzahra.ac.ir](mailto:s.a.roshan@alzahra.ac.ir)

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی

توسعه از منظرهای متفاوتی با دین تناسب‌های بسیار دارد. نسبت میان دین و توسعه یک نسبت مستقیم نیست؛ بلکه نسبت میان آن‌ها با یک واسطه و در یک واسطه برقرار می‌شود که آن واسطه «انسان» است. (محمد تقی جان محمدی؛ ۱۳۹۲:ص ۱) اما رابطه میان این دو با تعاریف متفاوت از توسعه مورد بحث قرار می‌گیرد و این مناقشات با در میان آمدن واژه «اقتصاد» در پس واژه «توسعه» گسترده‌تر می‌شود. زیرا نظریه پردازان اقتصادی در مفهومی که از توسعه اقتصادی بیان می‌کنند، اغلب ابعاد مادی زندگی انسان را بررسی می‌کنند؛ حال آنکه موضوع مورد توجه در دین، تمام شئون و ابعاد انسانی است.

از سوی دیگر، توجه بیش از حد پژوهشگران توسعه موج اول به توزیع درآمد، درآمد سرانه، کارایی و بهره‌وری، انباشت سرمایه و ... وجهی پولی شده و کمی از اقتصاد توسعه را به کشورهای جهان سوم ارائه داد. بنا به گفته لوئیس<sup>۱</sup>: اقتصاد توسعه به بررسی ساختار و رفتار اقتصادهایی می‌پردازد که تولید سرانه آنها کمتر از ۲۰۰۰ دلار (برحسب قیمت‌های سال ۱۹۸۰) است. (هانت؛ ۱۳۸۱؛ ص ۳۸۵) موج دوم نظریات توسعه، واقع‌گرایانه‌تر شد و به ملاحظات اخلاقی توجه بیشتری نشان داد. آمارتیا سن<sup>۲</sup> تعریف توسعه را در زمانها و مکانهای مختلف پر انعطاف‌تر تشریح می‌کند و اقتصاد توسعه را برحسب مجموعه معینی از باورها و موضوعات تعریف کرده و می‌گوید: روند توسعه اقتصادی باید با آنچه مردم قادر به انجام آن هستند و آنچه قادر به انجام آن نیستند سروکار داشته باشد. (سن، ۱۹۸۳)

با این تعریف روزنه‌امیدی گشوده می‌شود تا بتوان زمینه بازتعریف اقتصاد توسعه را بر مبنای شرایط فرهنگی و اجتماعی هر ملت به طور جداگانه فراهم ساخت. همان‌گونه که در غرب پس از رنسانس و ظهور دیدگاه‌های لوتر و کالوین و فرق ریاضت‌گرای پروتستان، زمینه بروز فردگرایی و آزادی‌گرایی به وجود آمد که نهایتاً منجر به استحکام بنای سرمایه‌داری و شکل‌گیری دیدگاه‌های توسعه بر همین مبنا گردید. یا در ژاپن هنجارهای مشروع در بودا و کنفوسیوس مانند: نفع جامعه، اعتماد، کمک و همکاری، پابندی به قول و قرار و اخلاق حرفه‌ای مبنای انگیزه رشد ساختار و نظم سرمایه‌داری شد. با این تفاوت که روح و نفع جمعی بسیار قوی مانده و زهد و رفاه هر دو صورت جمعی به خود گرفته و نه فردگرا (لوئیس‌کندل، ۱۹۹۵، ص ۷۰)<sup>۳</sup> با استدلال مشابه می‌توان این نتیجه را گرفت که در جامعه‌ای که دین یکتاپرستی به عنوان مهمترین نهاد فرهنگ ساز به شمار می‌رود، سازوکارهای توسعه اقتصادی باید بر مبنای قوانین آن دین در جامعه اجرا شود.

شهید محمد باقر صدر در کتاب "نقش دین در تنظیم اقتصاد اسلامی" نقش نهاد دین را در بهبود نظم اجتماعی و اقتصاد اسلامی بسیار اساسی قلمداد می‌کند و آن را یکی از امتیازات اقتصاد اسلامی بر سایر اقتصادها

<sup>1</sup> - Arthur Lewis

<sup>2</sup> - Amartya Sen

<sup>3</sup> - Helmut Loiskandle

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

می‌داند و می‌گوید: وقتی اسلام می‌خواهد به درمان دردها بپردازد، همه شئون زندگی را با دین می‌آمیزد و آن را وارد در کادری می‌کند که در آن کادر ارتباط دینی بین انسان و خدا و آخرت برقرار می‌شود. همین کادر نظام اسلامی را چنان قدرت می‌دهد که بتواند نجات بخش باشد و مصالح عمومی اجتماع را تامین کند. چرا که تامین این مصالح عمومی جز از راه دین امکان پذیر نیست. (محمد باقر صدر، ۱۳۵۹، ص ۱۳۵۹)

پیش از شروع بحث احتیاج به تدقیق در واژه اخلاق است. زیرا برداشت‌های متفاوتی که از این واژه در فرهنگ‌های مختلف می‌شود می‌تواند در رساندن مفهوم کلی مطلب انحراف ایجاد کند.

تحقیق حاضر تلاش دارد، تا با برجسته نمودن خلاء اخلاق در تئوری‌های توسعه و اندیشه‌های مکاتب اقتصادی، به تبیین تطبیق‌های اخلاقی نظام اقتصادی اسلام با نظریات توسعه نوین (با تاکید بر مفهوم سرمایه اجتماعی) بپردازد.

## ۲- پیشینه تحقیق:

بحث جایگاه اخلاق در اقتصاد توسعه، ابتدا توسط آمارتیاسن و نوسبام (۱۹۸۳)<sup>۱</sup>، دنیس گولت<sup>۲</sup> (۱۹۶۰)، داگلاس نورث<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) و سپس موضوع سرمایه اجتماعی توسط بوردیو<sup>۴</sup> (۱۹۷۲)، کلمن<sup>۵</sup> (۱۹۸۸)، فوکویاما<sup>۶</sup> (۱۹۹۵)، رابرت پانتام<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) و رونالد اینگلهارت<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) مطرح شد. پژوهشگران بسیاری در تکمیل بحث‌های فوق‌پا به عرصه گذاشتند که در میان پژوهشگران ایرانی بحث "اخلاق" اغلب با آموزه‌های "اسلام" گره خورده است.

سید احسان خاندوزی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان "نقش بستر سازی اخلاقی در توسعه اقتصادی" موضوع اخلاق در توسعه اقتصادی را با مطالعه بر زوایای تعامل میان نهاد‌های بستر ساز اخلاق اقتصادی و از جمله حاکمیت، واکاوی کرده است.

1 - Amartya Sen & Martha C. Nussbaum

2 - Denis Goulet

3 - Douglass C. North

4 - Pierre Bourdieu

5 - James Samuel Coleman

6 - Francis Fukuyama

7 - Robert D. Putnam

8 - Ronald Inglehart

علی رضا قلی (۱۳۹۱) در مقاله خود با نام " فروپاشی اخلاقی و تاثیر آن بر افزایش هزینه های اقتصادی و سیاسی " با مطرح کردن مولفه مورد تاکید داگلاس نورث ، یعنی همان هزینه های معاملات، تاثیرات فقدان اخلاق را بر این مولفه تفسیر می کند.

مهدی اختر محقق(۱۳۸۵) در کتاب سرمایه اجتماعی با پرداختن به ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از دیدگاه اقتصاددانان، این نوع از سرمایه را در ایران، با آوردن چند مقاله در کتاب خود نیز بررسی کرده است.

### ۳-۱- مبانی نظری

#### اخلاق چیست؟

در بررسی آرا مختلف می توان به وضوح در یافت که نظریات فضیلت گرایانه نسبت به اخلاق در کلام فلاسفه یونان کمابیش قابل مشاهده است. دکارت نیز با این که در مواردی با فلسفه ارسطویی تفاوت هایی قائل است اما همچون ارسطو در بحث اخلاق، غایت انگار بود و با عملی سروکار داشت که به خیر انسان رهنمون می شود او سعی می کرد تا فلسفه اخلاق خود را بر عقل محض استوار سازد و البته که وی عقل را دارای محدودیت و در چارچوب مشخصی از ریایی می نمود و نیز بر تکالیف و نه بر حقوق انسان ها تکیه می نمود.(سید محمد حسن مصطفوی، ۱۳۸۸) . اما نظر نیچه در مورد اخلاق کاملاً ضد اخلاق بود! چیزی که در دنیای امروز و به ویژه در غرب مشاهده می شود به نظرات او بیشتر شباهت دارد.

از نظر اسلام اخلاق معنای والاتری به خود میگیرد . اخلاق در لغت به معنای طبیعت و سرشت است . در قران کریم این وجه فطری اخلاق معرفی شده است: "قَالَهُمْ هَافُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا" (سوره شمس آیه ۸) سپس بدو گناه و تقوا را الهام کرده است ( و چاه و راه و حسن و قبح را توسط عقل و وحی به او نشان داده است ) . این آیه نشان دهنده این امر است که انسان چه مومن و چه کافر در فطرت خود بدی ها و خوبی ها را می شناسد. و در نتیجه به سبب وجود عقل و وحی تمایل به انجام امور نیک دارد. در فلسفه اسلامی ملاصدرا نیز در بحث حسن و قبح ذاتی افعال مطرح شده است؛ برای مثال دروغ گفتن ذاتاً قبیح است و این را هر نفس سلیمیمی داند و نیازیست تا حتماً پس از بیانیدن، ما قبول کنیم که دروغ گفتن بد است؛ اینجاست که حسن و قبح عقلی هم اثبات می شود؛ یعنی خود عقل نیز به کلیات این که دروغ زشت و منکر است، می رسد.

دکتر عبدالکریم زیدان در این مورد چنین می فرماید: «اخلاق، مجموعه ای از معانی و ویژگی های مستقر و ثابت در نهان انسان است که در پرتو آن، رفتار در نظرش نیک یا زشت نشان داده می شود و از این رو، فرد یا به انجام آن اقدام می نماید یا از انجام آن خودداری می ورزد.» ( غزالی امام محمد، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۴۶) «اخلاق مجموعه ای از اصول و ارزش هایی است که رفتار انسان را تنظیم می نماید، و تعالیم وحی آن ها را تعیین فرموده و جهت

تحقق هدف وجود انسان در کره ی خاکی ، اصول و ضوابطی را برای آنها قرار داده است .» (عبدالحمید محمود، ۱۹۹۰م، ص ۸۵)

### ۳-۲- اخلاق اقتصادی در گذر زمان:

در نظریه قرون وسطایی برای فعالیت های اقتصادی غیر مرتبط با اهداف اخلاقی جایی وجود ندارد. در این دیدگاه انسان مجاز است تا حد تامین معاش مناسبش در پی کسب ثروت باشد؛ اما بیش از آن حرص و آز خواهد بود. طلب کردن نعمت های دنیایی و فعالیت اقتصادی امری مشروع؛ اما اولویت بخشیدن به آنها نا مشروع است. تجارت مشروع؛ اما برای روح خطرناک بود؛ مگر آنکه برای نفع عامه انجام شود. و آنچه گرفته می شد نباید بیشتر از دستمزد کار می بود. امور مالی اگر غیر اخلاقی نباشند در بهترین حالت پست و حقیرند. اموال باید از راه مشروع کسب شوند و صاحب آن آماده توزیع اموال برای نیازمندان باشد. (تاوئی، ۱۳۷۷:ص ۵۲) از سوی دیگر چون پاپ ، بزرگترین نهاد مالی و سیاسی قرون وسطی بود و البته دچار بیماری اقتدار خواهی مطلق ، عملاً در اواخر این دوران به ارزش های گفتار خود پایبندی نشان نمی داد . داستانهای بسیار مشهوری که در مورد مال دوستی کشیش ها و توجیه ربا خواری از سوی اسقف ها وجود دارد. موید روی دیگر سکه اخلاق آن عصر است (همان؛ص ۴۸)

قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی رسیدند . مدرسان مسیحی متاخر در موضوع فقر و ثروت عقیده ای متفاوت با پیشینیان داشتند . در نظر ایشان توانگری یا مسکنت چندان مهم نبود ؛ بلکه شیوه عمل در هر وضعیت و نحوه استفاده مورد توجه بود. ( سمبارت؛ 1959،ص 33) با نگاهی ژرف می توان دریافت که این تحول به معنای کاهش تدریجی نقش دین از هدایتگری فعال به ناظر و داوری منفعل و موعظه گر بود. درست در همین مقطع است که جریان لوتریسم و کالوینیسم به میان می آید. جریان کالوینیسم به مراتب فعال تر و رادیکال تر بود و قصد داشت با تاثیر مذهب ، حوزه خصوصی و عمومی جامعه را نوسازی کند. ( سید احسان خاندوزی، ۱۳۸۵:ص ۷)

فورسایت<sup>۱</sup> عقیده دارد سرمایه و قدرتی که در چارچوب اخلاق دینی رشد یافته بودند به قدرتی تبدیل شدند که اکنون عاری از رهنمود های ایمانی و در آستانه تبدیل به مایه تباهی دین شده اند. سرمایه داری که با کمک عناصری از جمله نفوذ مذهبی موفق به تحول اجتماعی شده بود این بار دست به کار اخلاق زدایی و خانه نشینی دین برد. (سیدمن و فورسایت، ۱۳۸۱:ص ۲۱۶)

پس در گذر تاریخ با از میان برداشته شدن دین از زندگی ، اخلاق هم رفته رفته از روابط اقتصادی رخت بر بست تا جایی که تاوئی در کتاب خود می نویسد: نیمه دوم قرن شانزدهم دوران تاثیر گذار مشهود روح سرمایه داری در نظریه و نخبگان مذهبی بود . ریيسان مذهبی در دادگاه بدون هیچ اقماضی یک زناکار را به اعدام محکوم می

<sup>1</sup> -Forsyte

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کردند و سر انجام محکومیت او را از سر ترحم به تازیانه در میدان های شهر تخفیف می دادند؛ اما انسانیت آن ها تاب پیشنهاد محکوم کردن سرمایه داران رباخوار به مرگ را نداشت. ( تاوینی، ۱۳۷۷، ص ۲۱)

دو فرایندی که در تاریخ علم اقتصاد به وقوع پیوست و اقتصاد را کم کم از اخلاق دور نمود تسلط بر روش اثبات گرایی و نیز استفاده از ابزار ریاضیات بود که این روش و ابزار به موفقیت کمی در اقتصاد بسیار مدد رساند، همان طور که در علوم طبیعی موفقیت های بسیاری به همراه آورده بود. دیوید ریکاردو<sup>۱</sup>، اقتصادی را که هر چه بیشتر به ریاضیات گرایش می یافت علمی تر می انگاشت. ارزش گذاری های اخلاقی به این ترتیب در اقتصاد کمرنگ و کمرنگ تر شد و حتی کار به جایی رسید که به تعبیری میتوان گرایش فروض اولیه و بنیادین اقتصاد خرد را ضد اخلاقی قلمداد نمود؛ این موضوع از آن جا اهمیت مضاعفی می یابد که اقتصاد کلان مرسوم نیز بر پایه اقتصاد خرد بنا شده است. یکی از مهم ترین آن فروض بنیادین اقتصاد خرد، انسان اقتصادی است که شدیداً عقلانی، حسابگر، منفعت طلب و حتی طمع ورز و تنها به فکر خود می باشد. همان که نهایتاً در لیبرالیسم اقتصادی به عنوان مهم ترین اصل فکری و فلسفی نظام سرمایه داری بر دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی شکل می گیرد. (نمازی، ۱۳۸۴)

با پایان جنگ سرد، بازار و اندیشه بازاری اعتبار بی سابقه ای پیدا کرد که کاملاً طبیعی بود. معلوم شده بود که هیچ سازو کار دیگری برای سامان دهی تولید و توزیع کالا به اندازه تولید ثروت و رفاه کارآمد نیست. (مایکل سندل، ۱۳۹۳)؛ علم اقتصاد بدون اخلاق تا بدانجا پیش رفت که فرضیه های اقتصاد خرد که اقتصاد کلان نیز بر پایه آن نهاده شده است، بر حسابگری، خود خواهی، و حتی حرص و طمع ورزی تاکید کردند و هیچ جایی را برای گذشت و رعایت انصاف، ترجیح منافع اجتماعی بر نفع فردی، کمک های داوطلبانه و پیشبرد اهداف جمعی باقی نگذاشت. (مصطفوی، ۱۳۸۸)

همچنین از مطالعاتی که انجام شده است نتیجه گرفته شده است که آموزش اقتصاد متعارف، دانشجویان و شهروندان را خود خواه تر می کند و همکاری با دیگران را کاهش می دهد و در نهایت از بین میبرد. هر جا که تئوریهای اقتصادی بیشتر رایج شده، گرایش به "سواری مجانی" نیز افزایش یافته است و انگیزه های اخلاقی و انسانی کمرنگ تر شده است. (ر. کهناسمن و میشل، ۱۹۹۳ و فرنک و دیگران، ۱۹۹۶؛ به نقل از آلوی، ۱۳۸۴)

در بررسی نظریات موج اول توسعه، مشاهده می شود که توجه اقتصاددانان به مسئله توسعه و مسئله رشد دارای مرز های نامشخصی است. تا جایی که برخی از نظریه پردازان این دو مفهوم را یکی دانسته اند. همین امر موجب پیدایش دیدگاه پولی شده به توسعه است. در بین نظریه پردازان توسعه، کلاسیک ها، نئو کلاسیک ها و ارتدوکسها شاخص هایی چون درآمد سرانه، سطح درآمد ناخالص داخلی و یا میزان انباشت سرمایه گذاری و پس انداز را جز اصلی ترین ملاک توسعه کشور ها قلمداد می کردند. در نگاه لوییسی و روستو<sup>۲</sup>، این نگاه با به میان آمدن

<sup>1</sup> - david ricardo

<sup>2</sup> - Arthur Lewis & Walt Whitman Rostow

واژه "کیفیت" و "نوآوران"، تا حدودی تعدیل شد. اما تاکید آن دو بر سر تبدیل پس انداز های طبقه سرمایه دار به سرمایه گذاری همچنان به قوت خود باقی ماند. شاید بتوان گفت؛ در آن دوره تاکید بر سر شاخص های رشد به جای پرداختن به مولفه های رفتاری و فرهنگی موثر در توسعه، یک انحراف معرفت شناختی در واژه ها ایجاد کرد. این انحراف به حدی عمیق بود که در بستر نگاه ماتریالیستی و منفعت طلبانه به توسعه، ضد ارزش ها به ارزش مبدل شدند. تا جایی که مارکس و انگلس<sup>۱</sup>، پدیده استعمار را برای کشورهای جهان سوم امری مطلوب برای رسیدن به توسعه معرفی می کنند. این نوع دیدگاه تا پیش از به میان آمدن الگوی نیاز های اساسی در عرصه اقتصادی وجود داشت.

### ۳-۳- اخلاق، حلقه گمشده دستیابی به توسعه:

بین مکتب های اقتصادی صرفا مادی و مکتب های اقتصادی تا حدودی اخلاقی در مسئله بازار های اخلاق گرا اختلافی اساسی وجود دارد. در مکتب های صرفا مادی اخلاق تاثیر کمی بر اقتصاد دارد. اقتصاد در مکتب های مادی کاملا خشک و بی روح است، چرا که معیار در این طرز تفکر، درآمد بیشتر از هر راهی که مقدور باشد است؛ یعنی هر چه سطح درآمد بالاتر باشد مطلوب تر است. اما مسائل اخلاقی جایگاه محدودی در این اقتصاد دارد. امروزه ترکیبات اخلاقی و اقتصادی در جهان غرب و اکثر کشورهای جهان متداول شده. اما مهمترین تحولی که در اخلاق و ارزش های سابق بر توسعه رخ داده و زنجیر از پای مدرنیسم و بورژوازی گشوده و بسط آن را میسر ساخته دنیوی شدن اخلاق بود. (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۹)

کلارک و لی<sup>۲</sup> در مقاله ای با عنوان "بازار و اخلاق" به تشریح کارکرد های اخلاق در نظام بازار پرداخته و تقسیم بندی جدیدی برای اخلاق ارائه می دهند: اخلاق بزرگوارانه و اخلاق دنیوی. آنها در تعریف اخلاق دنیوی به مسائلی همچون پذیرفتن قوانین عمومی و یا هنجار های اجتماعی از جمله گفتن حقیقت، وفای به عهد، رعایت حقوق دیگران و خودداری از آسیب رساندن به عمد به دیگران، اشاره می کنند. همان چیزی که به زعم آنها آدم اسمیت هم آن را متذکر شده بود. اما اخلاق بزرگوارانه را چیزی فراتر از اخلاق دنیوی می دانند و آن را کمک به دیگران برای کسب رضایت مندی از خود؛ به طور مشخص نوعی کمک که از روی قصد و ایثارگرانه باشد تعریف می کنند. (کلارک و لی، ص ۶، ۲۰۱۱)

آنها با به میان آوردن واژه "ارزش اجتماعی" اثرات این دو اخلاق را بر ایجاد ارزش های اجتماعی بیان می کنند. و نهایتا نتیجه می گیرند که با جایگزینی اخلاق بزرگوارانه به جای اخلاق معمول در نظام بازار میتواند ظرفیت بسیار محدود انسان را به عنوان عنصری گرانبها مورد استفاده قرار داد. (p24 همان)

<sup>1</sup> -Karl Marx & Friedrich Engels  
2 -j. R. Clark and Dwight R. Lee

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

مایکل سندل<sup>۱</sup> یکی دیگر از منتقدین بازار بدون اخلاق، اعتقاد دارد وجود مناسبات مالی، اخلاق را به حاشیه می‌کشاند. مثال‌هایی که او از عدم کارکرد پول (تحت نظریات اقتصادهای مادی گرایانه) در تقویت حس مسئولیت و مشارکت و تعهد در جامعه می‌زند، بر مقبولیت مدل‌های توسعه اخلاق گرا بسیار تاثیر گذار به نظر می‌آید. برای مثال در کشور سوئیس تلاش دولت برای دفن زباله‌های هسته‌ای پرتوزا به پیدا کردن منطقه روستایی در مرکز کشور منجر شد. ۵۱٪ اهالی روستا در پاسخ به این سوال که "آیا با دفن زباله‌ها در روستای خود موافق هستید یا نه؟" پاسخ مثبت دادند. اما در هنگام برگزاری همه‌پرسی وقتی به آن‌ها وعده پرداخت وجه نقدی در مقابل موافقت را دادند، تعداد موافقان به نصف کاهش یافت! محققان در این باره گفته‌اند: "جایی که روحیه اجتماعی حاکم است، استفاده از مشوق‌های مالی برای افزایش حمایت از ساخت تاسیساتی که مطلوب جامعه ولی نامحدود برای مردم است، گرانتز از آنی که منطق اقتصادی نشان می‌دهد در می‌آید. زیرا این مشوق‌ها معمولاً احساس تکلیف اجتماعی را به حاشیه می‌کشاند." در تجربه‌ای مشابه نیز این مسئله به اثبات خود نزدیک شد. در فلسطین اشغالی با وضع جریمه برای والدینی که دیر برای بردن کودکانشان به مهدکودک می‌آمدند، تعداد تاخیرها کاهش نیافت. این مثالها موید این موضوع است که در جایی که مردم احساس تعهد اجتماعی دارند؛ مشوق‌ها این تعهد را تشدید نمی‌کنند و برعکس، در جایی که تعهد اجتماعی وجود ندارد جریمه‌ها چندان تاثیری بر افزایش احساس مسئولیت نمی‌تواند باشد. (سندل، ۱۳۹۲)

## ۳-۴- دیدگاه‌های اخلاق‌گرایانه توسعه:

برخی از نظریه پردازان اقتصادی با وارد کردن مفهوم ارزش‌های اخلاقی در مدل‌های توسعه حرفی نو در این عرصه زده‌اند. مانند نهاد گرایان که اعتقاد راسخی به حکمرانی خوب از طریق فساد زدایی و بنا نهادن ارزش‌های اخلاقی (برای کارکرد موثرتر میان دولت و جامعه مدنی) می‌باشند. این نظریه در نوع خود جدیدترین دیدگاه اخلاقی در توسعه به شمار می‌رود. پیش از آن نیز اقتصاددانانی چند، به مسئله اخلاق در اقتصاد توسعه پرداختند.

از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی دنیس گولت<sup>۲</sup>، تغییری در تعریف توسعه ایجاد کرد و بیان کرد توسعه نیازمند بازتعریف، رفع ابهام و قرار گرفتن در عرصه بحث اخلاقی است. گولت دغدغه مسائل اخلاقی و ارزشی برآمده از نظریه، برنامه ریزی و کاربرد توسعه را داشت که تاکید می‌کرد توسعه کاذب به خاطر تجارب تلخ خود در زمینه رنج و عذاب انسان‌ها و از دست دادن معنا، ممکن است به ضد توسعه منجر شود. (کراکر، ۱۳۸۴)

آمارتیا سن و پل استرترین<sup>۳</sup> نیز در دهه ۱۹۸۰ میلادی نابرابری اقتصاد جهانی و گرسنگی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که این بی‌عدالتی ناشی از جدایی اقتصاد و توسعه از اصول اخلاقی است. صاحب نظران، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران توسعه به ویژه در دو دهه پایانی قرن بیستم، با مسائل اخلاقی رو به رو بوده‌اند و گرایش

1 - Michael J. Sandel

2 - Denis Goulet

3 - Amartya Sen & Paul Streeten



# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

های ارزش مدارانه رفته رفته پر رنگ تر می شود و برخی صاحب نظران توجه به اخلاق توسعه را توصیه نموده اند و منظور از اخلاق توسعه، ارزیابی اخلاقی اهداف و ابزار توسعه در جهان سوم و جهان تعریف کردند. و وظیفه اخلاقی توسعه، انسانی کردن تصمیمات و فعالیت های توسعه بیان کرده اند. (همان)

مهم ترین دغدغه اخلاق گرایان توسعه را می توان به صورت خلاصه این طور بیان کرد:

آنچه به عنوان توسعه یاد می شود بیشتر معطوف به رشد اقتصادی است که به همان اندازه که مشکلاتی را حل کرده، مسائل جدیدی را به وجود آورده.

تولید ثروت بیشتر، اگر بی هدف صورت بگیرد، به زیست انسانی و دنیای بهتر منجر نخواهد شد.

کاربرد های نظریات توسعه، چه بخواهیم و چه نخواهیم، حامل ابعاد اخلاقی و ارزشی اند و چون در طراحی آن ها ارزش های والا منظور نشده به ارزش های منفی مانند نابرابری، فقر و تخریب محیط زیست منجر شده است.

کنترل فقر، نابرابری و تخریب محیط زیست و اصول پایه ای دیگری چون: حفظ همبستگی، استقلال و آزادی از ارزش های اخلاقی هستند که می باید در فرایند توسعه از محوریت برخوردار باشند. (همان)

بر طبق دیدگاه آمارتیاسین و نوسبام<sup>۱</sup> نیز، توسعه ذاتاً مفهومی ارزش بنیان است، زیرا برای تعریف «تغییر اجتماعی مطلوب» و نیز «دستیابی به زندگی بهتر برای انسان ها» معیارهایی را فراهم می آورد. از این رو، به طور ویژه تمایز نهادن میان اسباب (مثل افزایش GNP سرانه) و غایات (مثل بهروزی عالی تر و نیز آزادی برای دستیابی به این غایات) امری مهم است. اصول اخلاق برای تعریف و اعطای معنا به چنین اموری ضروری اند. بنابراین بهترین تعریف توسعه بر حسب دو اصطلاح «کارکردها» و «توانمندی ها» است (یعنی آنچه که انسان ها می توانند و باید قادر به انجام آن ها شوند)؛ و هدف سیاست گذاری توسعه عبارت است از «تقویت برخی از کارکردهای انسانی و بسط توانمندی های انسان برای چنین کارکردی» افزون بر این، سین و نوسبام، کارکردها و توانمندی ها را بر مبنای اهمیت، رتبه بندی کرده و استدلال می کنند که هدف توسعه باید بسط و ارتقای توانمندی ها و کارکردهای ارزشمند باشد. (دیوید کراکر، ۱۳۹۲)

### ۳-۵- سرمایه اجتماعی:

برای سنجش میزان توسعه یافتگی یک جامعه می‌توان شاخص‌های فرهنگی را ملاک قرار داد، مانند میزان التزام و احترام افراد به قانون، نظم‌پذیری جمعی، تعهد به کار و تلاش، احترام به حقوق و آزادی دیگران، میزان وجود تفاهم فرهنگی و وفاق اجتماعی. (محمد جمال خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱)، که همه این شاخص‌ها در مفهوم "سرمایه اجتماعی" نهفته است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. این مفهوم در بر دارنده مصادیق بارز ارزش‌های اخلاقی جمعی است که وجودش در یک جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار الزامی ذکر شده.

فوکویاما<sup>۱</sup> در تعریف از سرمایه اجتماعی می‌گوید: سرمایه اجتماعی مجموعه‌های هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه مبادلات و ارتباطات می‌گردد. (محقق، ۱۳۸۵)

پننام<sup>۲</sup> محور اصلی در بحث سرمایه اجتماعی را ارزش‌های حاصله از شبکه‌های اجتماعی می‌داند. این ارزش‌ها جمعی است، مردم با آن آشنا هستند و تمایل دارند در روابط اجتماعی آن‌ها را به ظهور رسانده و در تعاملات آن را به کار گیرند. سرمایه اجتماعی تنها شامل احساسات گرم و عاطفی نیست بلکه گستره وسیعی از اختیارات خاص کیفی را شامل می‌شود که اعتماد، کنش متقابل، اطلاع‌یابی و تعاون می‌تواند از محصولات ارتباطات اجتماعی باشد. (همان)

برای نشان دادن میزان اهمیت این مفهوم پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. در تحقیقی در روسیه نشان داده شده است که عدم وجود موازین مناسب اخلاقی و ضعف قانون (با این فرض که قانون مندی و پایبندی اخلاقی از سرمایه‌های اجتماعی هستند)، منجر به فساد اداری، نابرابری، جرائم، آزار دختران جوان و خشونت شده است. (هولمز 1997 به نقل از محقق)

جامعه‌شناسان پی برده‌اند که در هر جامعه‌ای که افراد آن به اشکال مختلف عضوی از گروه و یا انجمن صنفی هستند، دارای اعتماد به نفس بیشتر نسبت به جامعه می‌شوند و در صد اعتماد و احساس مسئولیتشان نسبت به گروه و حتی بیرون گروه بیشتر می‌شود. (محقق، ۱۳۸۵)

یکی از دلایلی که سرمایه اجتماعی از نیمه دوم قرن بیستم روز به روز بیشتر مطرح گردیده بی‌اعتمادی بی‌دلیلی بود که در جوامع غربی در اثر اعمال تئوری‌های اقتصادی رایج شد. به طوری که در دهه ۱۹۹۰ میلادی بیشترین ارجاع مجلات معتبر جهان، مربوط به کلید واژه سرمایه اجتماعی بود (مصطفوی ۱۳۸۷)

<sup>1</sup> - Francis Fukuyama

<sup>2</sup> - Robert D. Putnam

# همایش کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

در جوامعی که منافع فردی و خود محوری که از آموزه های اقتصادی بدون اخلاق است رواج داشته باشد، سرمایه اجتماعی کاهش می یابد و بر تولید و رشد و توسعه تاثیر منفی می گذارند. با مطرح شدن سرمایه اجتماعی مفاهیمی که با رواج نظریه های صرف اقتصادی روی کار آمده بودند، از جوامع رخت بر می بندد. مطالعات زیادی همبستگی بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را نشان می دهد که از معروف ترین این مطالعات، پژوهش رابرت پانتام است. وی بر روی شهر های شمال و جنوب ایتالیا بررسی های را انجام داد و به این نتیجه رسیده بود که عوامل اقتصادی دو منطقه تقریباً مشابه است ولی رشد و توسعه برخی مناطق و شهر ها مانند فلورانس، بولونیا و جنوا از برخی مناطق و شهرها مانند کالابریا و سیسیل بسیار بیشتر است. این موضوعی که پانتام پاسخش را یافته بود تا مدت ها به عنوان معمای رشد مطرح بود که چرا برخی مناطقی که از نظر امکانات اقتصادی تا حدود زیادی مشابه اند، از نظر پیشرفت های اقتصادی و تولیدی تفاوت زیادی دارند؟ سطح متفاوت سرمایه اجتماعی پاسخ اصلی این سوال بود. (ر.ک. پانتام، ۱۳۸۵)

## ۳-۶-اسلام و سرمایه اجتماعی در توسعه

پس از روشن شدن مفهوم «سرمایه اجتماعی» به بررسی و تحلیل نقش دین در ایجاد سرمایه اجتماعی پرداخته می شود. افراد متعددی مانند فوکویاما<sup>۱</sup>، گرلیلی<sup>۲</sup>، وارنر<sup>۳</sup>، روف<sup>۴</sup> و آمرمان<sup>۵</sup> از «دین» به عنوان عامل موجد سرمایه اجتماعی یاد نموده اند. در خصوص اسلام، پارسونز<sup>۶</sup> معتقد است: در اسلام زمینه بروز سرمایه اجتماعی به خاطر جهت گیری مثبت آن به سوی دنیا و نسبت به جامعه و سیاست و تأکید فراوان بر مسئولیت های اجتماعی مؤمنان به مراتب افزون تر و قدرتمندتر از ادیان دیگر است؛ چنان که هالنکروتز<sup>۷</sup>، وسترلند<sup>۸</sup>، و جان وُلنیز<sup>۹</sup> به این مطلب اشاره نموده اند. (فصیحی، ۱۳۸۶)

دین اسلام توجه ویژه ای به مسئله اجتماع و تقویت روابط اجتماعی مسلمانان دارد. به عنوان نمونه می توان به اصل وحدت، اصل اخوت، و اصل تعاون اشاره کرد که در قالب اخلاق اجتماعی اسلام قرا می گیرند. در ادامه به تطبیق اصول اسلامی بر انواع سرمایه اجتماعی می پردازیم:

1 - Francis Fukuyama

2 - Andrew Greeley

3 - Time Warner

4 - rouf

5 - Daniel Amerman

6 - parsons

7 - C. F. Hallencreutz,

8 - Westerlund

9 - John Volnies

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۱- سرمایه اجتماعی - شناختی: سرمایه اجتماعی - شناختی در بر گیرنده کیفیت روابط میان انسان هاست و دو شاخص برای سنجش آن در نظر گرفته می شود: اعتماد و هنجار های اجتماعی.

در اسلام وفای به عهد و پیمان از عوامل موثر بر تقویت اعتماد در روابط میان افراد است. علاوه بر آن امانتداری، اخلاص، صداقت، تقوا، و پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران از اصول مورد تاکید در اخلاق اسلامی است. (فصیحی، ۱۳۸۶)

یکی از عوامل کاهش اعتماد در میان مردم یک جامعه، تفاوت های قومی و زبانی است. اسلام با هر گونه قوم گرایی و نژاد پرستی مبارزه می کند و تفاوت های قومی و زبانی را اسباب شناخت جوامع بشری می داند. (حجرات-۱۳) و محبت و برادری را جایگزین تعصب و قوم گرایی معرفی می کند. (حجرات -۱۰) (افسری، ۱۳۹۱)

از اصول دیگری که در اسلام مطرح شده است نظارت همگانی و کنترل اجتماعی است. این دو اصل به همه افراد اجازه می دهد با هر نوع کج روی و هنجار شکنی در حد توان خود مقابله نمایند. در این صورت، امنیت، آرامش و اعتماد بر جامعه حاکم می شود. کنش های فردی و اجتماعی تسهیل می گردند.

نوع دیگری از سرمایه اجتماعی - شناختی، هنجار های اجتماعی می باشد. اسلام مروج هنجار های موثر در گسترش و تعمیق روابط میان انسانها است که این هنجار ها در قالب اخلاق اسلامی قرار می گیرد. انسان ها در مکتب اسلام طوری تربیت می شوند که اصول اخلاقی به صفات درونی آن ها در می آید. (همان)

۲- سرمایه اجتماعی - ساختاری: این نوع سرمایه شامل پیوند با شبکه های اجتماعی رسمی و غیر رسمی می شود. (همان) تاکید اسلام بر داشتن رابطه عاطفی و مستحکم در خانواده، خویشان و دوستان ( درون گروهی) و ارتباط میان همه افراد جامعه و عامل وحدت میان تمام اقشار (برون گروهی) از مصادیق توجه این دین به نوع سرمایه اجتماعی - ساختاری است.

همچنین توجه اکید اسلام بر انسجام اجتماعی یکی دیگر از نکات قابل توجه در این حوزه است. علامه طباطبایی در جای جای آثار نوشتاری خود به این مسئله توجه داشته است. ایشان در تبیین این مسئله دو کار کرده؛ نخست، این آموزه را در قرآن و سنت اسلامی پژوهش نموده و نشان داده که وحدت یافتن جوامع یکی از انگاره های اسلامی است. دوم، این آموزه را در بستر و طرحی فراگیر از جامعه و پدیده های اجتماعی توجیه و تبیین کرده است. به عبارت دیگر نشان داده که وحدت جهانی جوامع، امری است که به مقتضای طبیعت خود جوامع تحقق خواهد یافت.

علامه طباطبایی وحدت جهانی جوامع انسانی را امری یقینی الوقوع دانسته که تنها با اسلام می تواند تحقق یابد. ایشان تحت عنوان «الدِّينُ الْحَقُّ هُوَ الْغَالِبُ عَلَى الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» می نویسد: «نوع انسان به حکم فطرتی که در او به

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ودیعت نهاده شده طالب کمال و سعادت حقیقی خود یعنی استیلاء بر عالی ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی می باشد. (رمضانی، ۱۳۹۲)

## ۴- خلاصه و جمع بندی:

از موضوعات مطرح شده، اگر این عبارت منتج شود که، برای نیل به توسعه تنها نیاز به بستر سازی اخلاقی داریم، قطعاً به بیراهه رفته ایم! این درست است که توجه به شاخص های رشد و ثروت در نظام توسعه جای خود را به شاخص های اجتماعی و اخلاقی داده اند؛ ولی دلیل بر بی توجهی به آن ها نیست. بلکه لزوم استفاده و به کارگیری از ظرفیت های مادی و معنوی یک جامعه کلید دستیابی به توسعه است. در نظام اقتصادی اسلام نیز توجه به این موضوعات به پارادایم های توسعه اخلاقی با توجه به ظرفیت های مادی و معنوی نزدیک تر می باشد. برای درک این موضوع بسیاری از پژوهشگران به تبیین الگوی توسعه اسلامی پرداخته اند.

توسعه دینی و معنوی و ارزشی نه تنها می تواند بخشی از توسعه قرار گیرد بلکه اساساً در توسعه ایده آل که مطلوب ماست محور اساسی توسعه، رشد و تعالی روحی و معنوی انسان است، توسعه ای که هماهنگ با نظام آفرینش و هماهنگ با نظام و ساختار وجودی انسان و در نهایت باعث افزودن روح عبودیت و بندگی انسانی نشود، توسعه حقیقی و ایده آل نیست.

یکی از شاخصه ها و ضابطه هایی که در الگوی توسعه اسلامی مطرح است، بالا بردن قدرت تفکر مردم است... دوم و سوم از بین بردن نابرابری اجتماعی و افزودن انسجام اجتماعی است. چهارم پرهیز از استبداد رای است. (رفیعی پور، ۱۳۷۷)

از این رو می توان الگوی جدید توسعه بر اساس آموزه های اسلام را الگویی کامل، متشکل از راهکارهایی برای همه نیازها و مشکلات انسان اجتماعی امروز تعریف کرد. زیرا در اسلام پاسخ به تامین نیاز های مادی و اساسی امری اولیه، و بدیهی است. بطوریکه، اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی مساعد برای مردم فراهم نشود، زمینه های کمال جویبان هانیز کم رنگ می شود. در واقع مسئله اساسی تر در الگوی توسعه اسلامی پاسخگویی به نیازهای روحی انسان در کنار نیازهای مادی و اساسی است.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

## ۵- منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آلوی، جیمز، تاریخچه ای از علم اقتصاد، اقتصاد اسلامی، ترجمه علی نعمتی، سال ۵، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۴
- ۳- اختر محقق، مهدی، سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات مهدی اختر محقق، ۱۳۸۵
- ۴- افسری، علی، "سرمایه اجتماعی در اسلام"، فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱
- ۵- پانام، رابرت، «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی» مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ۱۳۸۵
- ۶- تاوونی، دین و ظهور سرمایه داری، احمد خزاعی، تهران نشر مرکز، ۱۳۷۷ش
- ۷- جان محمدی، محمد تقی، «درباره نحوه موضوعیت دین و توسعه»، موسسه مطالعات و تحقیقات مبین، ۱۳۹۲
- ۸- خاندوزی، احسان، «نقش بستر سازی اخلاقی در توسعه اقتصادی»، مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم، بهار ۱۳۸۵.
- ۹- خلیلیاناشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامیو توسعه اقتصادی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱
- ۱۰- رفیع پور، فرامرز، «نسبت دین و توسعه»، قیسات، شماره ۷، ۱۳۷۷
- ۱۱- رمضانی، حسین، «وحدت جهانی جوامع انسانی از منظر علامه طباطبایی در المیزان»، موسسه مطالعات و تحقیقات مبین، ۱۳۹۲
- ۱۲- سندل، مایکل، آنچه با پول نمی توان خرید، مرزهای اخلاقی بازار، حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۳
- ۱۳- سیدمن و فورسایت، شرایط اخلاقی رشد اقتصادی، احمد تدین، تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۱
- ۱۴- طباطبایی یزدی، رویا، مافی، فرزانه، «اقتصاد بازارهای اخلاقی و چشم انداز آن، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹ خرداد،
- ۱۵- عبدالحمید، محمود. فقه الدعوه الی الله والوفاء للطبعهاالاولی، ۱۹۹۰ م
- ۱۶- غزالی، امام محمد، احیا علوم الدین، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵م
- ۱۷- فصیحی، امان الله، دین و سرمایه اجتماعی، نشریه معرفت شماره ۱۲۳، اسفند ۱۳۸۶
- ۱۸- کراکر، دیوید آلن، «به سوی اخلاق توسعه» در فصلنامه راهبرد یاس، ترجمه اسماعیل رحمان پورو مهدی صفار دستگردی، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۴
- ۱۹- کراکر، دیوید آلن، کارکرد و توانمندی، بنیان های اخلاق و توسعه در دیدگاه سن و نوسام، موسسه مطالعات و تحقیقات مبین، ترجمه محمد تقی جان محمدی، ۱۳۹۲
- ۲۰- مصطفوی، سید محمد حسن، «اقتصاد توسعه و اخلاق» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸
- ۲۱- نمازی، حسین، نظام های اقتصادی، تهران دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴
- ۲۲- هانت، دایانا، نظریه های اقتصادی توسعه تحلیلی از پارادایم های رقیب، غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱۴-صدر، سیدمحمد باقر، نقش دین در تنظیم اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات هادی، ۱۳۵۹

23-J.R.Clarck&Dwight R.Lee, "Markets and Morality", 2011

24-Loiskandle, Helmut, "Religion, Ethics And Economic Interaction In Japan In Religion And

25-Transformation of Capitalism", New York, 1995.

26-Sambart, In "Protestantism and Capitalism", Boston, Health, 1959

27-Sen, Amartia, "Poor, Relatively Speaking", Dublin, Ireland, 1983

28-Coleman, James Samuel, Social Capital in the Creation of Human Capital, article in The American Journal of Sociology, Supplement: Organizations and Institutions: Sociological and Economic Approaches to the Analysis of Social Structure (1988)

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- 29- Fukuyama, Francis, ,Social capital and civil society, paper prepared for delivery at the International Monetary Fund Conference on Second Generation Reforms, October , 1999
- 30- Putnam ,Robert. D, Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy (with Robert Leonardi and Raffaella Nanetti, (1993)
- 31-Inglehart, Ronald, Welzel, Christian, “modernization, cultural change and democracy: the human development sequence”, Cambridge University Press, 2005
- 32-Goulet, Denis, “Development Ethics At Work 1960-2002” routhledge USA, 2009
- 33-North, Douglass,” Institutions, institutionalchange and economic performance “,Cambridge University Press,1990
- 34-Bouedieu,pierre, “Forms of capital”, In J Richardson(Ed), New York, Green Wood, 1986